

بی‌تا فره‌ی تیز دوید

6 آذر 1402

خبر فوت **بی‌تا فره‌ی**، بازیگر مطرح سینمای ایران، بسیار غم‌انگیز بود و ما را به سال‌های درخشیدن این ستاره در فیلم‌های هامون و کیمیا برد. من نیز از زمانی که خبر فوت او را شنیده‌ام به یاد خاطراتم با این ستاره سینمای ایران افتادم. سال 1373 بود و هنوز کشور در تب و تاب جنگی هشت ساله. جنوب هنوز آثار جنگی ویرانگر را از پیشانی نزوده بود و اینجا و آنجا نخل‌های سوخته و آثار به جا مانده از نبرد با همسایه غربی صحنه‌های نادری نبودند. هنوز بسیاری از رزمندگان ما به خانه بازنگشته بودند و خبری هم از آنها نبود. در سال 73 قرار شد فیلم کیمیا به کارگردانی احمدرضا درویش و تهیه‌کنندگی هارون یشایایی، پدرم، ساخته شود و قرار شد خانم فره‌ی نقش نجات‌دهنده کیمیا را، دختر بچه‌ای که مادرش را حین زایمان از دست می‌دهد و پدرش نیز اسیر عراقی‌ها می‌شود، بازی کند.

بی‌تا فره‌ی در فیلم کیمیا متخصص زنانه بود که کیمیا را به دنیا آورد؛ همان نوزاد دختری که مادرش حین زایمان و بمباران عراقی‌ها جان سپرده بود و بعدها در کنار خانم دکتر به تصور اینکه فرزند او است، زندگی کرده بود. خانم دکتر بعد از نجات جان کیمیا او را بغل می‌زند و از خرمشهری که عراقی‌ها در حال تسخیر آن بودند، فرار می‌کند. نقطه اوج هنرنمایی بی‌تا فره‌ی فرار دوان دوان او با نوزاد از راه نخلستان‌های خرمشهر است تا بتواند جان‌پناهی پیدا کند.

روز تست بازیگران فیلم فرا رسید. پدر به عنوان تهیه‌کننده فیلم به خانم فره‌ی گفت: «شما باید با سرعت بدوید.» خانم دکتر فیلم چند قدمی را دوید، اما از نظر تهیه‌کننده این برای صحنه‌ای که قرار بود فرار شتابان و سریع خانم دکتر از بیمارستان خرمشهر در اوج جنگ را به تصویر بکشد، کافی نبود. هارون یشایایی شرطی را برای شروع فیلمبرداری گذاشت که «فیلمبرداری را تا زمان خوب دویدن خانم فره‌ی به تعویق می‌اندازیم.» قرار شد بی‌تا فره‌ی یک ماه هر روز در پلاتوی (استودیوی فیلمبرداری) بزرگی در طبقه پایین شرکت پخشیران سریع دویدن را تمرین کند؛ روزی یک ساعت تمرین سخت و دویدن زیر نظر مربی. با قبول این شرایط از طرف او، یک ماه از همان روز شروع شد. هر روز سر ساعت در شرکت حاضر می‌شد و با کمک مربی خود را برای صحنه فرار از خرمشهر آماده می‌کرد؛ صحنه‌ای که باید بی‌وقفه و سریع می‌دوید. یک ماه گذشت و روز تست دوباره فرا رسید. پدر در همان پلاتو به خانم فره‌ی گفت: «بدوید.» و او با چابکی و سرعتی باورنکردنی شروع به دویدن کرد. درست مانند همان صحنه‌ای در ابتدای فیلم که زیر تعقیب تانک عراقی، جان خود و نوزاد دختر را نجات می‌دهد. اینجا هارون یشایایی با رضایت گفت: «عالی است، فیلمبرداری را شروع می‌کنیم.» بی‌تا فره‌ی در کنار خسرو شکیبایی و رضا کیانیان در آن فیلم که بعدها از بهترین فیلم‌های دفاع مقدس شناخته شد، بازی کرد و نامزد بهترین نقش اول زن در سیزدهمین جشنواره فیلم فجر شد. روحش شاد.

*مرجان یشایایی